

## سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در عصر پهلوی اول ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش

سیدحسین شجاعی دیوکلائی<sup>۱</sup>

### چکیده

سیاست تمرکزگرائی کسب درآمد از منابع مختلف را به الزامی برای حکومت پهلوی اول تبدیل کرد. برپایه این الزام کسب درآمد از بخش تجاری اقتصاد ایران مورد توجه قرار گرفت. کسب درآمد از بخش تجاری در ابتدا با توجه به میراثی که اقتصاد تجاری ایران از دوران قاجار از آن برخوردار گردید امکان‌پذیر نبود. در چنین شرایطی سازماندهی اقتصاد تجاری ایران به منظور کسب درآمد بیشتر ضروری بود.

بر این اساس این مقاله با استفاده از روش تحقیق تاریخی به بررسی این پرسش می‌پردازد. حکومت پهلوی چه اقدام‌هایی برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش انجام داد؟ یافت‌های تحقیق نشان می‌دهد که تصویب قانون علایم صنعتی و تجاری و قانون تجارت، تأسیس اتاق‌های تجارت، سازماندهی نظام گمرکی، تصویب قانون نظارت بر خرید و فروش اسعار خارجی، قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی و تأسیس وزارت اقتصاد ملی اقدام‌هایی بود که حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری انجام داد. این اقدام‌ها بواسطه پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م ناکارآمد ماند. در چنین شرایطی حکومت از اسفند ۱۳۰۹ ش انحصار اقتصاد تجاری را جایگزین سیاست سازماندهی اقتصاد تجاری کرد.

**کلید واژه‌ها:** تمرکزگرائی، اقتصاد، تجارت، سازماندهی، عصر پهلوی اول.

## *Organization of commercial economy of Iran in the reign of Pahlavi I from 1303 to 1309*

### **Abstract**

The policy of centralization of the income from different resources became necessary for the government of Pahlavi I. According to this necessity earning income from the commercial part of the economy attracted attention. It wasn't possible to have an income at first due to the heritage the government inherited from the reign of Ghajar. Under these conditions organization of commercial economy of Iran to earn more income was necessary.

Therefore this article investigates this question by a historical way. What action did Pahlavi government take from 1303 to 1309? The findings of this article shows that ratification of trade law and commercial and industrial logos, establishment of chambers of commerce, organization of customs system, establishment of national economy ministry, ratification of the supervision over trade of foreign goods and the law of determination of currency and the criterion for it were a series of activities done by the government for the organization of commercial economy. These activities suffered from failure because of the Great Depression of 1929. Under these conditions the government substituted monopoly of commercial economy for the policy of organization of commercial economy.

**Keywords:** centralization, economy, commerce, organization, Pahlavi I.

## مقدمه

اقتصاد تجاری ایران در زمان حکومت قاجار معیشتی، سنتی و نابرخوردار از تشکیلات، سازماندهی و حمایت حکومت بود. در چنین وضعیتی اقتصاد تجاری ایران در عصر قاجار علی‌الخصوص پس از انعقاد عهدنامه ترکمانچای بواسطه باز شدن درهای اقتصاد ایران، با اقتصاد تجاری قدرتهای استعماری مواجه شد که سرمایه‌دارانه، مدرن، برخوردار از سازمان و تشکیلات و حمایت دولت‌های خود بود.

در نتیجه چنین شرایطی تجار و اقتصاد تجاری ایران به دلیل فقدان سازمان و تشکیلات و همچنین برخوردار نبودن از حمایت حکومت به حاشیه رانده شدند و بواسطه ایفای نقش تجاری حاشیه‌ای، سهم کوچکی از مناسبات و مبادلات تجاری را به خود اختصاص دادند. کسری عمده موازنه تجاری ایران که در تمامی دوران قاجار علی‌الخصوص پس از انعقاد عهدنامه ترکمانچای گریبان‌گیر اقتصاد تجاری ایران گردید نشانه مهم کوچک بودن سهم اقتصاد تجاری و تجار ایران از مناسبات و مبادلات تجاری عصر قاجار بود.

به نظر بسیاری از فعالان بخش تجاری به وجود آمدن چنین وضعیتی ناشی از ضعف‌های حکومت قاجار بود. به اعتقاد آنان حکومت قاجار در ایفای نقش خود جهت محافظت از تجار ایرانی و همچنین سازماندهی اقتصاد تجاری ایران ناکارآمدی داشت. این مسأله موجبات نارضایتی تجار ایرانی از حکومت قاجار را فراهم می‌کرد و همین نارضایتی یکی از عوامل موثر در پیوستن تجار ایرانی به جنبش‌های صورت گرفته علیه حکومت قاجار و نقش‌آفرینی آنها در این جنبش‌ها مانند جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه بود.

با توجه به وجود چنین نارضایتی قدرت‌گیری رضاخان و تلاش وی در جهت ایجاد حکومت متمرکز برای تجار و اقتصاد تجاری ایران نشانه تغییر در وضعیت اقتصاد تجاری ایران بود. رضاخان که در همان نخستین سال‌های تلاش برای کسب قدرت به دنبال ایجاد تمرکز در ساخت سیاسی کشور بود؛ در ساخت اقتصادی کشور نیز همانند ساخت سیاسی به دنبال تمرکزگرائی بود. نتیجه این تمرکزگرائی در ساخت اقتصادی به تلاش حکومت پهلوی جهت سازماندهی بخش‌های مختلف اقتصاد کشور از جمله بخش تجاری انجامید. بر این

اساس مقاله پیش‌رو درصدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی مسأله سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در دوره پهلوی اول در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش مورد بررسی قرار دهد. به منظور بررسی مسأله این پرسش مطرح می‌شود که حکومت پهلوی اول چه اقدام‌هایی برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش انجام داد؟

بر این اساس هدف پیشروی مقاله بررسی اقدام‌های صورت گرفته در راستای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش توسط حکومت پهلوی است.

در خصوص پیشینه تحقیق موضوع مورد بحث مقاله باید عنوان کرد بجز دو مقاله سرمایه‌داری تجاری و عملکرد آن در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و نقش تجار در روی کارآمدن دولت پهلوی از سهیلا ترابی فارسانی که بی‌ارتباط با موضوع مقاله است در خصوص موضوع مورد بحث مقاله پیشینه‌ای وجود ندارد. این وضعیت در خصوص کتاب‌های به رشته تحریر درآمده در دوره زمانی مورد بحث کمی متفاوت است. در برخی از کتاب‌ها مانند اقتصاد سیاسی ایران محمدعلی همایون کاتوزیان، تجارت مشروطیت و دولت مدرن سهیلا ترابی فارسانی و مقاومت شکننده جان فوران اگرچه تحولات اقتصاد تجاری ایران و اقدامات حکومت پهلوی اول در این بخش اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفته است. اما هیچ یک از این منابع به صورت اختصاصی اقدام‌های حکومت پهلوی اول در دوره زمانی مورد بحث مقاله را از منظر سازماندهی اقتصاد تجاری ایران با هدف محول کردن کار ویژه‌ای جدید به اقتصاد تجاری ایران مورد بررسی قرار نداده‌اند. به دلیل وجود چنین پیشینه‌ای است که مقاله پیش‌رو در راستای تبیین مسأله و پاسخگویی به پرسش تحقیق بصورت عمده اسناد و نشریات دوره زمانی مورد بحث را بکار گرفته است.

در راستای تحقق این مهم آنچه که در نخستین گام باید مورد توجه قرار گیرد اهداف حکومت پهلوی جهت سازماندهی اقتصاد تجاری ایران است. در نخستین نگاه اینگونه به نظر می‌رسد که تمایل حکومت پهلوی اول به ایجاد تمرکز در تمامی ساخت‌های جامعه،

موجب سوق دادن این حکومت به سازماندهی اقتصاد تجاری ایران شده است. مقاله پیشرو اما معتقد است که سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در دوره زمانی مورد بحث نه در راستای ایجاد تمرکز در ساخت بخش تجاری اقتصاد ایران بلکه با هدف محول کردن کار ویژه‌ای جدید به آن در راستای پروژه ایجاد تمرکز سیاسی بود که این مسأله در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### کار ویژه اقتصاد تجاری در اقتصاد سیاسی عصر پهلوی اول

بی‌ثباتی اوضاع سیاسی ایران در نتیجه وقوع جنگ جهانی اول که منجر به تغییر هشت دولت طی سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷ شده بود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۹۰)؛ شکل‌گیری حکومت مرکزی مقتدر برقرارکننده نظم و امنیت را به مهمترین خواست جامعه ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی اول تبدیل کرد. این تمایل در شرایطی بوجود آمد که تشکیل چنین حکومتی در دوران حکومت قاجار به دلیل ساختار سیاسی حاکم و همچنین وجود شرایط نیمه‌استعماری<sup>۱</sup> امکان‌پذیر نبود.

با روی کار آمدن سلسله قاجار، نظامی سیاسی حاکم گردید که در تاریخ ایران کم‌نظیر بود. کم‌نظیر بودن این نظام از نحوه واگذاری مناصب حکومتی ناشی می‌شد. شاهان قاجار حکومت ایالات و ولایات را در قبال دریافت مبالغی به شاهزادگان قاجار واگذار می‌کردند و در عوض دستشان را در نحوه اداره مناطق تحت حاکمیت بازمی‌گذاشتند (المبتون، ۱۳۷۵: ۱۳۳). این شیوه حکمرانی ملغمه‌ای از نظام سیاسی متمرکز و مرکز‌گریز به وجود می‌آورد که در آن شاهزادگان از یک‌سو در مقام نمایندگان حکومت مرکزی ملزم به فرمانبرداری از شاه بودند، اما از سوی دیگر در اداره مناطق تحت حاکمیت‌شان قدرت نامحدود داشتند و در رابطه خود با رعایای منطقه تحت حکمرانی به حکومت مرکزی پاسخ‌گو نبودند.

۱- شرایط نیمه‌استعماری وضعیتی است که در آن دو یا چند قدرت استعماری به‌طور هم‌زمان جهت اعمال نفوذ سیاسی-اقتصادی در سرزمینی که دارای نهادهای حکومتی برای خود است، برخورد می‌کنند. در چنین شرایطی قدرت‌های استعماری بدون آنکه آن سرزمین را تسخیر و یا میان خود تقسیم کنند و اداره آن را مستقیماً بدست‌گیرند و به شیوه استعمار کهن اداره کنند، آن را همچون حایلی میان خود نگاه‌داشته به حوزه‌های نفوذ تقسیم می‌کنند و برای تثبیت این نفوذ در آن سرزمین به رقابت می‌پردازند (نک: اشرف، ۱۳۵۹: ۴۶)

این وضعیت را اما شرایط نیمه‌استعماری حاکم بر آن عصر تشدید کرد. زیرا دو قدرت استعماری تحمیل‌کننده شرایط نیمه‌استعماری (روس و انگلیس) به دلیل همسایگی با ایران نه متمایل به تضعیف کامل و سقوط حکومت قاجار بودند و نه تمایل داشتند ایران در کنار مرزهایشان به یک حکومت متمرکز قدرتمند تبدیل شود. چنین وضعیتی تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت. اما جنگ در ابعاد بین‌المللی و داخلی شرایطی را رقم زد که نتیجه آن لزوم ایجاد تغییر در ساختار سیاسی، از شیوه نیمه متمرکز دوره قاجار به ساختی متمرکز بود.

جنگ جهانی اول که تجاوز نیروهای بیگانه به ایران و اشغال بخش‌هایی از خاک کشور را به همراه داشت، موجب تضعیف هرچه بیشتر حکومت قاجار و ظهور نیروهای مرکز‌گریز در مناطق مختلف کشور شد. نتیجه این وضعیت بروز هرج و مرج و بی‌نظمی سیاسی و اقتصادی در کشور بود که حکومت قاجار را از حالت نیمه‌متمرکز خود به حکومتی غیر متمرکز تبدیل کرد و قدرت شاه را عملاً به پایتخت و حوزه‌های اطراف آن محدود ساخت. در چنین شرایطی که هرج و مرج و بی‌نظمی کشور را فراگرفته بود، افکار عمومی جامعه و نمایندگان آن (روشنفکران و نخبگان سیاسی) در مورد یک موضوع که همان لزوم اعاده نظم بود اتفاق نظر پیدا کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

در این وضعیت جامعه ایرانی پس از گذشت بیش از یک قرن تجربه حکومت غیر متمرکز قاجار، بار دیگر بنابر سنت تاریخی خود به دنبال ایجاد یک حکومت سیاسی متمرکز برآمد. چنین حکومت متمرکزی مورد حمایت نخبگان سیاسی و روشنفکران جامعه بود. تجلی عینی این حمایت‌های روشنفکران و نخبگان سیاسی در روزنامه‌ها و مجلات آن زمان مانند روزنامه‌های کوشش (کوشش، ۲۹ تنگوزئیل ۱۳۰۲، شماره ۹۸: ۱)، مرد آزاد (مردآزاد، ۳ حوت ۱۳۰۱، شماره ۱۷: ۱)، فکرآزاد (فکر آزاد، پنجشنبه ۲۸ عقرب ۱۳۰۳، شماره ۳: ۱)، مجله آینده (آینده، ۲ تیر ۱۳۰۴، شماره ۲: ۱۹۳) ... بروز پیدا می‌کرد. آنان انتظار داشتند تا حکومت جدید برخلاف حکومت قاجار در همه شئون و ارکان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تمرکز ایجاد کند.

ایجاد چنین تمرکزی نیازمند تأسیس نهادها و فراهم آوردن ابزارهایی بود. این امر هم خود نیازمند تأمین منابع مالی جهت تأسیس و استقرار نهادها و ابزارهای مورد نیاز ایجاد تمرکز سیاسی بود. در تاریخ ایران همواره میان ایجاد تمرکز سیاسی و ضرورت تأمین منابع مالی مورد نیاز ایجاد تمرکز سیاسی رابطه متقابل وجود داشت. پادشاهانی که نماد ایجاد تمرکز سیاسی بودند سازوکارهای مالی لازم را برای ایجاد تمرکز سیاسی بوجود آوردند. از این قاعده رضاشاه نیز مستثنی نبود.

در چنین شرایطی بود که اقتصاد سیاسی عصر پهلوی اول در پیوند میان ساختارهای سیاسی و اقتصادی جامعه ایران در راستای ایجاد حکومت متمرکز شکل گرفت که در آن تأمین منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد تمرکز سیاسی مخصوصاً ایجاد نهادهایی که در تحقق تمرکز سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کردند تبدیل به اولویت مهم شد. زیرا هزینه‌های مورد نیاز برای ایجاد تمرکز سیاسی علی‌الخصوص هزینه‌های ایجاد نهادهایی چون ارتش و دیوانسالاری که نقش اصلی را در ایجاد تمرکز سیاسی داشتند در دوره زمانی مورد بحث مقاله در حال افزایش بود. بودجه وزارت جنگ از ۹,۲۰۰,۰۰۰ تومان در سال ۱۳۰۴ ش (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱: ۱۸۴) به ۱۴۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال<sup>۱</sup> در سال ۱۳۰۹ ش افزایش یافت (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۵۸). بودجه وزارت داخله از ۲,۱۰۰,۰۰۰ تومان در سال ۱۳۰۳ ش، (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱: ۱۷۰۰) به ۳۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال در سال ۱۳۰۹ ش رسید. (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۵۸).

براین اساس و با توجه به افزایش هزینه‌ها، کسب درآمد بیشتر یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت بود. به همین دلیل حکومت سعی می‌کرد از هر منبعی جهت کسب درآمد بیشتر استفاده کند. از جمله منابعی که حکومت با اتکا به آن در صدد کسب درآمد بیشتر برآمد،

۱ - واحد پول رسمی ایران در ۲۸ اسفند ۱۳۰۸ با تصویب «قانون تعیین واحد مقیاس پول قانونی ایران» از قران که واحد رسمی پول ایران از دوره قاجار بود به ریال تغییر کرد (نک: مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۱۷). بر این اساس آمار ارائه شده از بودجه مملکت تا سال ۱۳۰۸ به قران و از سال ۱۳۰۹ بر اساس واحد جدید پول ایران به ریال است.

بخش تجاری اقتصاد ایران بود. در چنین شرایطی این‌گونه می‌توان عنوان کرد که تأمین منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد تمرکز سیاسی به کارویژه اقتصاد تجاری ایران در دوره پهلوی اول تبدیل شد. تلاش حکومت پهلوی برای تحقق چنین کار ویژه‌ای به سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش انجامید.

تحقق این کار ویژه اما با توجه به وضعیتی که اقتصاد تجاری ایران در آستانه به قدرت رسیدن پهلوی اول از آن برخوردار بود امری ناممکن به نظر می‌رسید. این وضعیت حاکم بر اقتصاد تجاری ایران که میراث بازمانده از دوران قاجار بود در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### وضعیت اقتصاد تجاری ایران در آستانه به قدرت رسیدن پهلوی اول

اقتصاد تجاری ایران در آستانه به قدرت رسیدن رضاخان متأثر از پیامدهائی ادغام ایران در اقتصاد جهانی در عصر قاجار بود. پیامد مهم ادغام ایران در اقتصاد جهانی در بخش تجاری اقتصاد ایران کسر موازنه تجاری بود. بررسی میزان دقیق کسری موازنه تجار در دوره قاجار اگرچه به دلیل وجود مشکلاتی چون نامشخص بودن وضعیت آمار (نک: پرورش، دوشنبه نوزدهم ربیع‌الاول ۱۳۱۸، شماره ۶: ۱۶)، نامشخص بودن وضعیت اوزان (نک: چهره‌نما، ۱۰ جمادی‌الاولی ۱۳۲۳، شماره ۱، نمره ۲۵: ۶-۷). یکسان نبودن سیستم نظام گمرکی (نک: چهره‌نما، غره جمادی‌الاول ۱۳۲۳، شماره ۲۴: ۱۵ همچنین نک: اورسل، ۱۳۵۳: ۵۶۷) و نامنظم بودن اسناد دیوانسالاری (نک: دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۹-۲۸) با موانع جدی روبرو است؛ اما گزارش‌های پراکنده موجود در سفرنامه‌ها و روزنامه‌های این دوره نشان‌دهنده کسری موازنه تجاری از دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار است. فورو کاوا در خصوص سال ۱۲۹۷ ق (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۳۳). کرزن در خصوص سال ۱۳۰۶ ق (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۶۶)، هانری‌رنه دالمانی در خصوص سال ۱۳۲۴ ق (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۰۲) و روزنامه حکمت بر اساس گزارش سفارت بلژیک در تهران در مورد سال مالی ۱۳۲۸-۱۳۲۷ ق (حکمت، پنج شنبه ۱۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۹، شماره ۹: ۱۲) گزارش‌هایی از کسری موازنه تجاری ایران ارائه می‌دهند.



در بوجود آمدن چنین کسری موازنه‌ای اگرچه قدرت برتر طرف‌های تجاری ایران و همچنین سایر موارد از جمله نبود امنیت نقش‌های مهمی داشته‌اند؛ اما در این میان سهم یک عامل مهم داخلی را نباید نادیده گرفت. این عامل مهم فقدان سازماندهی و تشکیلات در اقتصاد تجاری ایران بود. پیامد مهم این وضعیت آسیب‌پذیری تجار و اقتصاد تجاری ایران در تجارت خارجی بود. ادغام ایران در اقتصاد جهانی در دوره قاجار تجارت خارجی را در قیاس با تجارت داخلی از اهمیت بیشتر برخوردار کرد. در چنین وضعیتی آسیب‌پذیری تجارت خارجی ایران به نوعی آسیب‌پذیری شریان حیاتی اقتصاد تجاری کشور بود. به همین دلیل حکومت پهلوی بر اساس اولویت نخست اقتصاد سیاسی خود می‌بایست با رفع چنین نقیصه‌ای زمینه‌های کسب درآمد بیشتر برای تأمین منابع مالی مورد نیاز ایجاد پروژه تمرکز سیاسی را فراهم می‌کرد. انجام این مهم از آن جهت ضروری بود که اقتصاد تجاری ایران به استناد آمار مندرج در جدول شماره ۱ تا روکاری آمدن سلطنت پهلوی در سال ۱۳۰۴ ش همچنان از کسری موازنه تجاری که میراث بازمانده از عصر قاجار بود رنج می‌برد.

**جدول شماره ۱: میزان صادرات و واردات و کسری موازنه تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ بر اساس واحد پول قران**

سال	واردات	صادرات	کسری موازنه
۱۳۰۰	۶۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۱	۶۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۳۱۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۲	۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۹۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۳	۷۷۳,۰۰۰,۰۰۰	۴۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۸۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۴	۸۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰

منبع: (اطاق تجارت، ۱۵ اسفند ۱۳۱۰ و اول فروردین ۱۳۱۱، شماره ۳۴ و ۳۵: ۱۳-۱۴)

وجود چنین کسری موازنه‌ای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران را به الزامی برای حکومت پهلوی تبدیل کرده بود. این الزام از آن جهت بیشتر احساس می‌شد که حکومت قاجار پس از ادغام ایران در اقتصاد جهانی، موفق به انجام چنین سازماندهی نشد و به همین دلیل هم

نتوانست از تجار و اقتصاد تجاری ایران در رقابت با کشورهای طرف تجاری حمایت کند. در دوره قاجار و به طور اخص در زمان ناصرالدین‌شاه اگرچه با تأسیس وزارت تجارت و فلاحت در سال ۱۲۸۹ق (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۳۹) تلاشی در جهت سازماندهی اقتصاد تجاری ایران صورت گرفت. اما تأسیس این وزارتخانه بیش از آنکه نهادی در خدمت منافع تجار باشد؛ به نهادی برای اخاذی و اجحاف تجار تبدیل شد. اجحاف‌های وزارت تجارت و فلاحت واکنش تجار را برانگیخت و آنان با ارسال نامه‌ای اعتراضی به ناصرالدین‌شاه در خصوص عملکرد این وزارتخانه از طریق امین‌الضرب خواهان اصلاح امور خود شدند. در پی این درخواست بود که ناصرالدین‌شاه طی فرمانی نصیرالدوله را از وزارت تجارت عزل و فرمان تشکیل مجلس وکلای تجار را صادر کرد (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۳۰۸-۳۰۹ به نقل از نامه محمد حسین امین‌الضرب به ناصرالدین‌شاه، آرشیو خصوصی امین‌الضرب).

تشکیل مجلس وکلای تجار اگرچه گامی در جهت ساماندهی تجار بود. اما اقدام ناصرالدین‌شاه در این خصوص تنها به صدور فرمان محدود ماند و تحقق و تشکیل این مجلس به عهده تجار گذاشته شد و حکومت کمکی به تشکیل آن نکرد. در کنار این مسأله، عدم همکاری و اخلال و کارشکنی حکام ایالات و ولایات عامل مهمی در جهت ناکامی مجلس وکلای تجار شد (همان: ۶۷). ناتوانی حکومت قاجار در حمایت از تجار و اقتصاد تجاری ایران موجب نارضایتی این طبقه از حکومت قاجار و ناامیدی آنان از این حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در رقابت با کشورهای خارجی شد. در نتیجه همین ناامیدی بود که در دو فرصت تاریخی در دوره قاجار تجار خود دست به ایجاد نهادهایی برای سازماندهی تجارت و اقتصاد تجاری ایران زدند.

در فرصت تاریخی نخست که در نتیجه انقلاب مشروطه بوجود آمد تجار به تشکیل انجمن تجار مبادرت ورزیدند<sup>۱</sup> (روزنامه ندای وطن، سه‌شنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، شماره ۳۲: ۵). در فرصت تاریخی دوم که پس از جنگ جهانی اول ایجاد شد تجار دست به تأسیس

۱- اتحادیه‌های تجار محل تجمع هفتگی تجار جهت بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل مهم تجارت ایران مانند مال‌التجاره داخلی، رفع احتیاج کشور از کالاهای خارجی، تعدیل مسکوکات ایران با مسکوکات خارجی ... بود (روزنامه ندای وطن، سه‌شنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، شماره ۳۲: ۵).

هیئت اتحادیه تجار زدند. اتحادیه‌های تجار که در شهرهای مختلف ایران تشکیل شده بود تا زمان تشکیل اطلاق‌های تجارت در دوره پهلوی اول مشغول فعالیت بودند و در جهت اصلاح اوضاع تجاری ایران بر اساس گزارش‌هایی که از اتحادیه‌های تجار همدان (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳۵۴۹۸: ۱ و سازمان اسناد ملی ایران شناسه سند ۳۱۰۴۳: ۳-۲)، گلیایگان (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۹۷۲۹۳۱۷۳۳۶: ۷-۱)، نراق (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۷۱۴۵۵۶۳: ۱۴-۱)، جهرم (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۷۲۲۵۷۵: ۱)، مشهد (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰۱۴۹۰۲: ۴۱-۱) ... وجود دارد این اتحادیه‌ها تقاضا و یا پیشنهادهایی به وزارتخانه‌های مختلف ارائه می‌دادند

علی‌رغم انجام چنین اقداماتی ناکارآمدی حکومت قاجار در جهت حمایت از تجار ایرانی و سازماندهی اقتصاد تجاری ایران موجب ناکامی تلاش‌های تجار در ایجاد نهادها مستقل برای ساماندهی اقتصاد تجاری ایران شد. در چنین شرایطی بود که در اواخر دوره قاجار بنا بر گزارش میلسیو تمایل به وحدت و یکپارچگی در میان تجار ایرانی از میان رفت و آنان به سمت فعالیت‌های انفرادی در تجارت سوق داده شدند (میلسیو، ۲۵۳۶: ۲۵۰). فقدان سازماندهی تجاری و سوق داده شدن تمایل تجار به فعالیت‌های تجاری انفرادی و غیر سازمانی موجب می‌شد تا تجار کشورهای خارجی که از تشکیلات تجاری و حمایت‌های سیاسی اقتصادی دولت‌های خود برخوردار بودند؛ دست برتررا در رقابت تجاری با تجار ایرانی داشته باشند این مسأله مخصوصاً در روابط تجاری میان روسیه و ایران در دوره زمانی مورد بحث به شدت مشهود بود.

تجار و اقتصاد تجاری ایران در دوران قاجار علی‌الخصوص پس از انعقاد عهدنامه تجاری ترکمانچای همواره در ارتباط تجاری با دول خارجی مخصوصاً روسیه به شدت در معرض آسیب بودند (برای مطالعه بیشتر نک: ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۳۰-۲۳ همچین نک: سیف، ۱۳۸۷: ۳۱۴-۳۱۰). وقوع انقلاب روسیه و اتخاذ سیاست‌های انقلابی در حوزه تجارت توسط رژیم انقلابی روسیه آسیب‌پذیری تجار و تجارت ایران را در مناسبات تجاری با روسیه تشدید کرد. سیاست حکومت انقلابی روسیه در ملی کردن تجارت خارجی از سال ۱۲۹۹ش موجب ایجاد محدودیت‌های زیادی برای تجار ایرانی علی‌الخصوص تجار مناطق شمالی

کشور تا سال ۱۳۰۶ ش شد. در پی این وضعیت بود که کنسول ایران در حاجی‌طرخان طی گزارشی به سفارت ایران در مسکو در بهمن ۱۳۰۳ ش اعلام کرد: «تا از طرف اولیای امور نقشه و پروگرامی به طور کلی برای تجارت با روسیه طرح نگردد، ممکن نیست در مقابل ادارات شوروی هیچ یک از تجار داخله بتوانند بالانفراد مقاومت نمایند.» (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۷۷).

ایجاد محدودیت برای تجار ایرانی از سوی حکومت روسیه در پی تصمیم حکومت این کشور برای بستن مرزهای خود به روی کالاهای وارداتی کشورهای همسایه از جمله ایران با هدف حفظ ارزش پول روسیه در بهمن ۱۳۰۴ ش (همان: ۸۰-۷۹) به ایجاد بن‌بست و توقف تجارت شمال ایران انجامید. در پی ایجاد چنین بن‌بستی تجار و اصناف مناطق شمالی کشور از حکومت درخواست کردند تا با مذاکره با حکومت روسیه به رفع مشکلات و محدودیت‌های ایجاد شده توسط حکومت این کشور بپردازند. پس از ناکامی حکومت در انجام این کار بود که تجار و اصناف در مناطقی شمالی کشور مانند گیلان (روزنامه حیل-المتین، سال ۳۵، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵، ش ۹: ۷ و روزنامه حیل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان سال ۱۳۴۵، ش ۱۴-۱۵: ۶)، قزوین (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۳۵۴۹۴: ۹) تبریز (روزنامه حیل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان سال ۱۳۴۵، ش ۱۴-۱۵: ۲۸-۲۹) و تهران (روزنامه حیل‌المتین، سال ۳۵، ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۵، ش ۲۱-۲۲) دست به تأسیس جمعیتی به نام نهضت مقاومت اقتصادی علیه تجارت روسیه زدند.

هدف ایجاد چنین تشکیلاتی در مناطق شمالی کشور بر اساس بیانیه نهضت مقاومت اقتصادی قزوین ایجاد ممانعت برای ورود اشیاء تجملی روسیه به ایران و همچنین ترک معامله با تجار و تجارتخانه‌های روسی تا زمان رفع محدودیت‌های ایجاد شده توسط حکومت روسیه برای تجار ایرانی بود (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۳۵۴۹۴: ۹) از سوی دیگر اعضای این انجمن‌ها با آگاهی از مشکلاتی که عدم توازن صادرات و واردات ایران بوجود آورد، از دولت و مجلس تقاضا کردند تا در زمینه تعدیل و توازن صادرات و واردات ایران با روسیه اقدام نمایند، از ورود اشیاء تجملی روسی بدون دریافت حق‌الورود جلوگیری کند و با دولت روسیه قراردادی تجاری جهت مبادله کالا با قیمت عادلانه که

منافع دو طرف را تأمین کند منعقد نمایند (همان: ۱۱).

مشکلات و بن‌بست‌های تجاری ایجاد شده از جانب حکومت روسیه اگرچه پس از انعقاد قرارداد تجاری میان ایران و روسیه در مهر ۱۳۰۶ ش تا حدودی برطرف شد (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)؛ اما حل این مشکل برطرف کننده تمام مشکلات بخش تجاری اقتصاد ایران نبود. در آستانه به قدرت رسیدن رضاشاه فقدان تشکیلات و سازماندهی در اقتصاد تجاری نقش مهمی در کم‌بازدهی بخش تجاری اقتصاد ایران داشت. صدور بی‌کیفیت کالا و محصولات تجاری با اکتفا به حداقل سود از جانب تجار ایرانی نشان دهند کم‌بازدهی اقتصاد تجاری ایران در نتیجه فقدان تشکیلات و سازماندهی تجاری بود.

مسأله صدور بی‌کیفیت محصولات تجاری ایران به بازارهای جهانی از زمان قاجار تا انحصاری شدن تجارت خارجی ایران در سال ۱۳۰۹ ش در نشریات مورد انتقاد قرار می‌گرفت. بعنوان مثال در دوره قاجار روزنامه چهرنما در شماره ۱۲ خود گزارشی انتقادی از وضعیت بد صدور تنباکو، پنبه و کنیرا (چهره نما، ۱۵ شعبان ۱۳۲۲، شماره ۱۲: ۱۱) و در شماره ۲۲ خود گزارش انتقادی دیگر از وضعیت بد و بی‌کیفیت صدور تریاک (چهرنما، غره ربع‌الثانی ۱۳۲۳، شماره ۲۲: ۸) ارائه کرده است. چنین انتقادی در نشریات دوره پهلوی اول نیز بر عملکرد تجار ایرانی تا پیش از انحصار تجارت خارجی وجود داشت. مجله راهنمای تجارتی ایران عصر حدید از کیفیت بد صادرات خشکبار (راهنمای تجارتی ایران عصر حدید، سوم فروردین ۱۳۰۷، شماره سوم: ۱۶) و همچنین پنبه (همان: ۱۸-۱۹)، روزنامه شفق سرخ از کیفیت بد صادرات میوه و خشکبار (شفق سرخ، یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۰۷، شماره ۱۰۱۷: ۱) و مجله اطلاق تجارت از وجود شن، سنگ، خاک و معایب در صادرات محصولات ایرانی که از قدر و قیمت آنها فوق‌العاده می‌کاهد (اطلاق تجارت، ۵ آبان ۱۳۰۸، شماره اول: ۲۵) انتقاد کردند.

وضع بد صدور محصولات تجاری ایران که باعث کاهش قیمت و در نتیجه کاهش درآمد و کم‌بازدهی اقتصاد تجارت می‌شد، مداخله دولت و یا بخش خصوصی به منظور سازماندهی اقتصاد تجاری را ضروری می‌ساخت. در این خصوص اما نه حکومت و نه تجار

تا به قدرت رسیدن رضاشاه اقدام مؤثری انجام نداده بودند. بی‌توجهی حکومت و بخش خصوصی به مشکلات پیش‌روی اقتصاد تجاری ایران موجب شد تا علی‌اکبر داور در مجله آینده در مقاله‌ای تحت عنوان «بحران» به بررسی این موضوع بپردازد. به اعتقاد داور در آن شرایط تنها دولت می‌توانست در این زمینه دست به اقدامی موثر بزند. «در حال فعلی مملکت جز دولت هیچ قوه‌ای قادر به رفع بحران نیست. از تجار امروز ما نمی‌شود انتظار داشت بازار برای محصولات ایران پیدا کند. دولت باید به تاجر بازار نشان بدهد» (داور، ۱۳۰۵: ۲۴).

در نتیجه وجود چنین شرایطی بود که پس از به قدرت رسیدن رضاشاه مداخله حکومت در بخش تجاری اقتصاد ایران با هدف سازماندهی آن به منظور کسب درآمد بیشتر برای تأمین هزینه‌های مورد نیاز ایجاد تمرکز سیاسی آغاز شد. در راستای تحقق این مهم حکومت پهلوی از سال ۱۳۰۳ ش. پس از تثبیت قدرت رضاخان در مقام ریاست‌الوزرائی تا اسفند ۱۳۰۹ ش. تلاش خود را بکار گرفت که در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### سازماندهی اقتصادی تجاری ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش

همانگونه که عنوان شد کم‌بازدهی بخش تجاری اقتصاد ایران به دلیل فاقد سازماندهی و نبود تشکیلات، زمینه‌ساز مداخله حکومت پهلوی برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران شد. نخستین اقدام در این راستا تصویب قانون علامات صنعتی و تجاری بود. تلاش برای ثبت علامات صنعتی و تجاری اگرچه با تصویب لایحه پیشنهادی وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه توسط هیأت وزراء تحت عنوان «لایحه استقرا و حفظ نام شرکت تجارت‌خانه‌ها و جلوگیری از تقلید علامت‌های کارخانه‌ها» در دلو (بهمن) سال ۱۲۹۸ ش (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۴۰۰۰۵۳۹۳: ۲۹) و طرح قانون علامت‌های تجاری توسط وزارت مالیه در سال ۱۳۰۰ ش آغاز شد؛ (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۴۰۴۹۲۶۹: ۳۹-۱) اما تحقق عملی این قانون تا تحکیم قدرت رضاخان در مقام ریاست‌الوزرائی در ایران و تصویب لایحه علامات صنعتی و تجاری توسط مجلس محقق نگردید.

این لایحه از طرف وزارت فلاحت، تجارت و فواید عامه در تاریخ ۲ جوزا (خرداد)

۱۳۰۳ ش به مجلس پیشنهاد شد. وزارت فلاحت، تجارت و فوایدعامه هدف از پیشنهاد این لایحه را این‌گونه اعلام کرد: «چون اسامی کارخانجات و علائمی که در مصنوعات صنعتی و تجارتي معمول است، بواسطه فقدان قانون در ایران جنبه رسمی ندارد. و عبارت اخري در مالکیت رسمی و حقوقی صاحبان اصلی آنها نیست ... وزارت فلاحت، تجارت و فوایدعامه از نقطه نظر حفظ مصالح تجاری و صنعتی مملکت قانون علامات صنعتی و تجارتي را که در تحت ۱۸ ماده تهیه شده به آن مقام محترم پیشنهاد و تصویب آنرا خواستار است.» (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۳۶۱۴۰۰۳۴۰۰:۳).

در فاصله زمانی ارائه لایحه به مجلس تا تصویب آن، بحث‌های طولانی بر سر تصویب قانون علامات صنعتی و تجارتي در مجلس صورت گرفت و نمایندگان موافق و مخالف به بیان دیدگاه‌های خود در خصوص لزوم تصویب و یا غیر ضروری بودن تصویب چنین طرحی پرداختند (برای مثال نک: لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه پنجاهم، یکشنبه اول سنبله ۱۳۰۳). سرانجام قانون علامات صنعتی در ۹ حمل (فروردین) سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه صد و چهل و هفتم، یکشنبه نهم حمل ۱۳۰۴). مفاد ۱۸ گانه این قانون در حوزه تجارت شامل مواردی چون لزوم ثبت علامات تجاری در وزارت تجارت برای برخورداری حق انحصاری در حوزه تجارت، چگونگی ثبت علامات تجاری، چگونگی انتقال حق علامات تجاری به دیگران، مدت زمان قانونی حق علامات تجاری و چگونگی برخوردار شدن تجار خارجی از حق ثبت علامات تجاری بود (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۶۳۲۸۰۲۴۰:۱-۶).

گام بعدی حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری تصویب قانون تجارت بود. تصویب این قانون در سه مرحله در ۲۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ ش صورت گرفت. این قانون در ۳۸۷ ماده ذیل هفت باب به تصویب رسید. این هفت باب شامل قوانینی در خصوص موارد ذیل بود. باب اول قوانینی در خصوص تجارت و معاملات تجاری، باب دوم قوانینی در خصوص دفاتر تجاری، باب سوم قوانینی در خصوص شرکت‌های تجاری، اقسام و وظایف آنها، باب چهارم قوانینی در خصوص دلالتی، باب پنجم قوانینی در

خصوص برات، فته طلب و چک، باب ششم قوانینی در خصوص ورشکستگی و باب هفتم قوانینی در خصوص ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱: ۸۹-۱۰۹).

علاوه بر تصویب قانون تجارت، تصویب نظام‌نامه تأسیس اتاق‌های تجارت در شهرهای ایران و خارج از ایران از دیگر اقدام‌های مهم حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران بود. تأسیس اتاق تجارت در هر شهر بعنوان مهمترین اقدام حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران بر اساس نظام‌نامه پیشنهادی وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه به هیأت‌وزراء و تصویب آن در ۸ دی ۱۳۰۴ محقق گردید.

این نظام‌نامه ۳۵ ماده‌ای شامل مواردی چون تعداد اعضای اتاق تجارت، مدت زمان عضویت در اتاق تجارت، مدت زمان فعالیت اتاق‌های تجارت، نحوه عضویت در اتاق تجارت، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در اتاق تجارت، نحو انتخابات در اتاق تجارت، بودجه، حقوق و تکالیف اتاق‌های تجارت و موارد متفرقه بود (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۰۳/۱۰۹۱۰۲: ۱۲-۲). در میان، مواد ۳۵ گانه نظام‌نامه ماده ۲۳ از اهمیت زیادی برخوردار بود. این ماده ذیل بخش حقوق و تکالیف، بر تکالیف اتاق‌های تجارت بدین شرح تأکید داشت. ۱: ارسال هرگونه نظریات و اطلاعات راجع به امور تجاری و صنعتی که دولت تقاضا نماید، ۲: اظهار نظر راجع به وضعیت تجاری و صنعتی حوزه خود با ذکر وسائل اصلاح و بسط آن و تقدیم راپورت‌های جامعه سالیانه راجع به جریان امور تجاری، ۳: اظهار نظر راجع به اصلاحاتی که باید در کلیه قوانین تجاری به عمل آید مخصوصاً نسبت به تعرف‌های گمرکی، ۴: ایجاد و حسن نظارت در جریان امور بورس‌ها، کلاس‌ها مدارس تجاری و نشر روزنامه و احصائیه‌های تجاری. ۵: ترتیب سجل احوال تجار. ۶: تأسیس دفتر اطلاعات تجاری (همان: ۶).

تأسیس اتاق‌های تجارت علی‌رغم فراهم شدن زمینه‌های حقوقی و قانونی آن از جانب حکومت جریانی کند بود. روند بوروکراسی حاکم بر تأسیس اتاق‌های تجارت به استناد ماده یک نظام‌نامه که مستلزم پیشنهاد تجار شهر برای تأسیس اتاق تجارت به وزارت فلاحت،



تجارت و فوائد عامه و تصویب هیأت وزراء بود (همان: ۲)، از عوامل مؤثر بر کندی روند تأسیس اتاق‌های تجارت بود. کندی این روند به اندازه‌ای بود که علی‌رغم تصویب نظام‌نامه تأسیس اتاق‌های تجارت در دی ۱۳۰۴ ش تا پایان سال ۱۳۰۷ ش تنها شهرهای تهران، تبریز، بارفروش (بابل)، بندرپهلوی (انزلی)، استرآباد و کرمانشاه اتاق‌های تجارت خود را تأسیس کرده بودند (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۳۰۰۶۶۵۵: ۳۵)، و برخی از شهرهای مهم و بزرگ تجاری ایران مانند رشت (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۳۰۰۱۰۷۶: ۱۲) و بوشهر (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۳۰۰۶۶۵۵: ۳۵) تا فروردین ۱۳۰۸ ش، اصفهان تا دی ۱۳۰۸ ش (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۱۰۰۱۶۹۸: ۷۷)، قزوین تا آذر ۱۳۰۹ ش (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۰۰۰۸۰۳۵: ۲۸)، و مشهد تا دی ۱۳۰۹ ش (همان: ۲۹) اتاق‌های تجارت خود را تشکیل نداده بودند.

روند تأسیس اتاق‌های تجارت در شهرهای ایران اگرچه با کندی پیش می‌رفت اما این امر مانع از آن نبود تا حکومت پهلوی گام‌های بعدی خود را برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران و رفع موانع بازدهی آن بر ندارد. از جمله اقدام‌هایی که حکومت در این راستا انجام داد تسلط بر امور گمرکی کشور و پایان دادن به وضعیتی بود که گمرکات کشور از زمان قاجار به آن دچار شده بود.

نظام گمرکی ایران در دوره قاجار طی دو مرحله از تسلط حکومت خارج شد و تحت نفوذ و سیاست‌گذاری‌های قدرت‌های خارجی مخصوصاً روسیه و انگلیس قرار گرفت. مرحله اول این نفوذ پس از پایان دوره دوم جنگ‌های ایران روس و انعقاد عهدنامه تجاری ترکمانچای در فوریه سال ۱۸۲۸ م/ شعبان ۱۲۴۳ ق صورت گرفت. فصل‌های اول و سوم این عهدنامه نقش مهمی در باز شدن سرآغاز اعمال نفوذ و سیاست‌گذاری‌های قدرت‌های خارجی در نظام گمرکی کشور ایفا کرد. در فصل اول مقرر شده بود تا اتباع و تجار روسیه در ایران از حق اتباع دولت‌های کامله‌الوداد اروپا برخوردار شوند. در فصل سوم هم مقرر شده بود تا اجناسی که میان دو کشور مبادله می‌شود مشمول یک نوع عوارض گمرکی ۵٪ باشند که در مرز دو کشور دریافت شود (قاضیها، ۱۳۷۴: ۲۵۲).

پذیرش چنین تعهداتی از جانب ایران در عهدنامه تجاری ترکمانچای علاوه بر فراهم کردن شرایط و امکان تسلط اقتصادی و حقوقی روسیه بر ایران، شرایط را برای تسلط اقتصادی و حقوقی سایر قدرت‌های استعماری فراهم کرد. پس از امضاء این عهدنامه بود که سایر قدرت‌های استعمار در صدد برآمدند تا امتیاز مشابهی از ایران کسب کنند. در این خصوص لرد کرزن عنوان می‌کند «عهدنامه ۱۸۲۸م ایران و روسیه موسوم به عهدنامه ترکمانچای سرمشقی برای تمام دولت‌های اروپائی شد تا قرارداد مشابهی مبتنی بر شرط کامله‌الوداد با دولت ایران منعقد کنند.» (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۶۱)

در این میان انگلستان نخستین کشوری بود که در سال ۱۸۴۱/۱۲۵۷ ق امتیازات مشابهی که روسیه در عهدنامه تجاری ترکمانچای بدست آمده بود برای خود کسب کرد (لسان‌الملک سپهر، ۱۲۷۷، ج ۲: ۲۷۹)، پس از انگلستان فرانسه در سال ۱۸۵۵/۱۲۷۱ ق (خورمچی، ۱۳۶۳: ۱۵۰) و ایالات‌متحده آمریکا در سال ۱۸۵۶/۱۲۷۳ ق (همان: ۲۲۲) طی معاهداتی جداگانه از چنین حقی برخوردار شدند و بدین ترتیب فرصت حضور و فعالیت در اقتصاد ایران پیدا کردند.

دومین مرحله خارج شدن تسلط حکومت قاجار بر گمرکات کشور و بسط نفوذ قدرت‌های خارجی با دریافت وام از روس و انگلیس و واگذاری عواید گمرکات شمال و جنوب کشور به عنوان وثیقه وام صورت گرفت. عواید گمرکات جنوب کشور در ازای دریافت پانصد هزار لیره وام از انگلستان به عنوان وثیقه این وام در سال ۱۲۷۱ ق به این کشور واگذار شد (باریر، ۱۳۶۳: ۱۶۸). عایدات گمرکات شمال هم در ازای دریافت ده میلیون روبل وام از روسیه در سال ۱۳۱۹/۱۹۰۰ ق به عنوان وثیقه وام به این کشور واگذار گردید (اوین، ۱۳۶۲: ۲۳۴).

خارج شدن تسلط حکومت بر گمرکات کشور و بسط نفوذ کشورهای بیگانه مخصوصاً دو قدرت روس و انگلیس یکی از عوامل مهم و مؤثر بر کم‌بازدهی و ناکارآمدی اقتصاد تجاری ایران در دوره قاجار بود. کسری موازنه تجاری ایران که خود اصلی‌ترین نقش را در ناکارآمدی اقتصاد تجاری ایران داشت نتیجه بسط نفوذ قدرت‌های بیگانه استعماری بود که به آنها امکان می‌داد تا کالاهای تولید کشور خود را با حداقل عوارض گمرکی وارد ایران

کنند و به این ترتیب با عرضه ارزتر کالاهای خود در رقابت با کالاهای مشابه تولید ایران زمینه ورشکستگی صنایع پیشه‌وری و ماشینی کشور را فراهم کنند (نک: فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۲۶).

در چنین شرایطی برای حکومت پهلوی اصلاح نظام گمرکی با هدف سازماندهی اقتصاد تجاری ایران به منظور افزایش بازدهی و کسب درآمد بیشتر امری الزامی بود. در راستای تحقق این مهم حکومت از سال ۱۳۰۶ ش درصد کنترل کامل بر گمرک برآمد. نخستین گام در این زمینه الغاء معاهده‌های گمرکی بازمانده از دوره قاجار بود. از آنجا که معاهدات گمرکی و تعرفه‌های ناشی از آن مربوط به معاهده‌های تحمیلی قدرت‌های استعماری در دوره قاجار بود، دولت ایران در بهار سال ۱۳۰۶ ش اعلام کرد که ظرف یک سال تعرفه‌های گمرکی را خود تعیین خواهد کرد و دیگر خود را ملزم به رعایت تعرفه‌هایی که در قراردادهای اجباری تحمیل شده نمی‌داند. همچنین اعلام شد که سایر موارد کاپیتولاسیون و امتیازهای خارجی نیز لغو خواهد شد (کدی، ۱۳۷۵: ۱۷۰-۱۶۹).

برای تحقق این مهم وزارت دربار در ۱۹ اسفند ۱۳۰۶ ش به وزارت مالیه اعلام کرد که ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ ش زمان الغاء رژیم کاپیتولاسیون و حقوق دول کامله الوداد است. بر این اساس مقرر شده بود تا کشورهای طرف تجاری ایران تا این تاریخ عهدنامه‌های گمرکی جدید خود را با ایران منعقد کنند. در غیر این صورت پس از ۲۰ اردیبهشت حداکثر تعرفه گمرکی از کالاهای کشورهایی که عهدنامه گمرکی جدید با ایران منعقد نکردند اخذ شود (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۸-۱۷۰-۲۴۰: ۳۷). در پی این درخواست وزارت مالیه در ۲۷ اسفند ۱۳۰۶ ش ماده واحده‌ای را برای تصویب به مجلس ارائه کرد که در آن ضمن تعیین حداقل و حداکثر تعرفه‌های گمرکی کالاهای وارداتی، از مجلس درخواست کرد به دولت اجازه دهد تا با دول خارجی براساس حداقل و حداکثر تعرفه‌های مقرر، قرارداد گمرکی منعقد نماید (همان: ۴۱). ماده واحده مذکور در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۷ ش تحت عنوان قانون تعرفه‌ها گمرکی و اجازه انعقاد قراردادهای گمرکی مخصوص با دول خارجی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و ابلاغ گردید (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۰-۲۴۰-۷۵: ۱).

پس از تصویب این قانون بود که حکومت پهلوی دست به انعقاد قراردادهای گمرکی جدید با کشورهای طرف تجاری خود زد. چنین قراردادهایی با ایالات متحده آمریکا در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۷ش (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰۱۶۹۸۷: ۹۴)، با بلژیک (همانجا) و آلمان در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۷ش (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰۱۶۹۸۶: ۳)، با هلند در ۳۰ خرداد ۱۳۰۷ش، با ایتالیا در ۴ تیر ۱۳۰۷ش (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰۱۶۹۸۷: ۱۰۸)، با سوئد در ۱۸ مرداد ۱۳۰۷ش (همان: ۱۰۹) و با اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹ اسفند ۱۳۰۷ش (همان: ۶۹) منعقد شد و بر اساس آن مقرر گردید تا در مبادلات تجاری میان ایران و کشورهای مذکور حداقل تعرفه‌های گمرکی اعمال شود. مقرر گردیده بود مدت قراردادهای گمرکی که بدین ترتیب میان ایران با دول خارجی منعقد گردید هشت ساله باشد و در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۵ش به پایان برسد.

یک سال پس از سروسامان دادن به وضع نظام گمرکی حکومت اقدام‌های مهم دیگری در راستای سازماندهی اقتصادی تجاری ایران انجام داد. اقدام‌های صورت گرفته توسط حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در سال ۱۳۰۸ش علی‌الخصوص از اسفند این سال متأثر از سرایت پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹م به ایران بود. پیامد بحران اقتصادی ۱۹۲۹م بیش از همه بخش تجاری اقتصاد ایران را تحت تأثیر خود قرارداد. نشانه چنین تأثیرگذاری را می‌توان کاهش میزان درآمدهای صادراتی ایران در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ش در مقایسه با سال ۱۳۰۷ش مشاهده کرد. همانند سایر جوامع توسعه‌نیافته، نخستین پیامد بحران در اقتصاد ایران کاهش میزان درآمدهای صادراتی مخصوصاً صنایع دستی و مواد اولیه بود. این کاهش در درجه اول ناشی از پیامدهای بحران در جوامع صنعتی بود. کاهش تولیدات صنعتی (نک: رونون، ۲۵۳۷، ج ۲: ۹) و افزایش موانع و تعرفه‌های گمرکی (کلاف و همکاران، ۱۳۶۸: ۲۷۸) در جوامع صنعتی عواملی بودند که موجب کاهش صدور کالا از جوامع توسعه‌نیافته به جوامع سرمایه‌داری صنعتی و در نتیجه کاهش درآمدهای صادراتی این جوامع شد (نک: تاپیتون و آلدریچ، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۹۷). از این قاعده ایران به عنوان کشوری توسعه‌نیافته با اقتصاد وابسته به بازار جهانی مستثنی نبود و در نتیجه بحران دچار مشکلاتی مشابه سایر جوامع توسعه‌نیافته شد.

در پی چنین وضعیتی بود که در دو سال نخست سرایت پیامدهای بحران به ایران، سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ش درآمدهای صادراتی ایران در قیاس با سال ۱۳۰۷ بر اساس احصائیه اداره کل تجارت مندرج در جدول شماره ۲ کاهشی ملموسی یافت.

جدول شماره ۲: ارقام موجود نشان‌دهنده میزان صادرات براساس قیمت و بر مبنای ریال است (اطاق تجارت، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱: ۲۶)

سال ۱۳۰۷	سال ۱۳۰۸	سال ۱۳۰۹
۴۸۲۵۵۲۷۲۷	۴۷۳۸۵۳۷۵۸	۴۴۹۶۴۲۵۳۴

در چنین شرایطی بود که حکومت به منظور جلوگیری از پیامدهای بحران در بخش تجاری اقتصاد ایران دست به اقدام‌های جدیدی برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران زد. نخستین گام در این راه با تصویب قانون اجازه تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به دولت در ۶ اسفند ۱۳۰۸ ش برداشته شد. این قانون در شرایطی از سوی حکومت برای تصویب به مجلس پیشنهاد شد که از یک طرف بحران اقتصادی و تأثیرهای منفی آن بر صادرات و از طرف دیگر بحران پولی ناشی از کاهش ارزش نقره به عنوان پایه پول، اقتصاد ایران مخصوصاً اوضاع پولی آن را با مشکلات و چالش‌های جدی روبرو کرده بود. در واقع پیشنهاد تصویب این قانون به مجلس اقدامی برای رهایی از این مشکلات بود که به حکومت کمک می‌کرد اقدامی عملی جهت حفظ و نگهداری ارزش پول و جلوگیری از سقوط آن به عمل آورد (اطاق تجارت، سال سوم شماره ۳۴-۳۵، ۱۵ اسفند ۱۳۱۰ و اول فروردین ۱۳۱۱: ۱۷).

پیش از تصویب این قانون مجلس در ۲۷ بهمن ۱۳۰۸ ش طی مصوبه‌ای دولت را به انجام اقدام‌های فوری و مؤثر برای رفع این مشکل دعوت کرد. در این مصوبه آمده بود «نظر به ترقی فاحش اسعار خارجه که مستلزم تضرر اقتصادی مملکت و باعث خسارت عظیم ملی است و نظر به اینکه در مقابل هر پیشامدی که خسارت ملی باشد اقدامات فوری و مؤثری ضروری و واجب می‌شود. بنابر این مجلس شورای ملی دولت را دعوت می‌کند که

هرچه زودتر مطالعات خود را در اتخاذ تدابیر رفع بحران مزبوره خاتمه داده لوایح مربوطه به آن را برای مذاقه و تصویب مجلس شورای ملی عاجلاً پیشنهاد نماید.» (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱: ۴۱۰).

پس از این درخواست دولت در ۶ اسفند ۱۳۰۸ ش لایحه اجازه تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی را به مجلس پیشنهاد کرد. این لایحه در هشت ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید که بر اساس آن ۱: حق خرید، فروش و هر نوع معامله اسعار و نقود خارجی به دولت واگذار شد. ۲: تعیین نرخ ارزهای خارجی نیز به دولت و کمیسیون پنج نفره‌ای که برای این کار تشکیل می‌شد واگذار گردید. کمیسیون مذکور که در تهران تشکیل می‌شد پنج عضو داشت. این اعضا که با تصویب هیات وزراء انتخاب می‌شدند عبات بودند از: یک نفر نماینده از طرف وزارت مالیه، یک نفر نماینده از طرف وزارت اقتصاد که بنا بود تشکیل شود، یک نفر نماینده ادارت گمرکات، یک نفر مفتش دولت در بانک ملی و یک نفر نماینده از طرف هر یک از بانک‌هایی که مطابق قوانین و نظامات در ایران مقیم بوده و اجرای مقررات این قانون را برعهده می‌گرفتند. وظیفه اصلی کمیسیونی که به این ترتیب تشکیل شد تعیین نرخ خرید و فروش اسعار و نقود خارجی در تهران، ایالات و ولایات بود (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۶).

قانونی که به این ترتیب تصویب شد تمامی خواست حکومت برای نظارت کامل بر معاملات ارزی را تأمین نمی‌کرد. به همین دلیل این قانون در ۳۱ تیر ۱۳۰۹ با تصویب متمم قانون اسعار خارجی بازبینی شد. در ماده اول این مصوبه مقرر شد که کلیه صادرکنندگان مکلف هستند ۹۰٪ از اسعار خارجی خود را که از مال‌التجاره‌های صادراتی حاصل می‌شود به دولت یا بانک‌هایی که از طرف دولت برای این کار تعیین می‌شد بفروشند. برای اجرای دقیق این قانون در ماده سوم متمم مقرر گردیده بود هر صادرکننده در موقع خروج مال-التجاره صدوری خود از گمرک، اظهارنامه‌ای را که حاکی از مقصد خروج و مقدار مصرف اسعار حاصل از مال‌التجاره صدوری باشد در دو نسخه تهیه و امضاء نماید و به اداره گمرک تحویل دهد. اداره گمرک هم مکلف گردید پس از انجام مقررات گمرکی یک نسخه از اظهار نامه مزبور را به کمیسیون تفتیش اسعار تسلیم نماید (مجموعه قوانین و مقررات

سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱: ۸۹-۹۰) تا بدین وسیله دولت از میزان فروش و ارزش حاصل از آن آگاهی داشته باشد.

اما علاوه بر قانون تفتیش و نظارت بر اسعار خارجی، تصویب قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران نیز از دیگر اقدام‌های حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران بود. هدف از تصویب این قانون که در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ ش به تصویب رسید مبارزه با کاهش ارزش پول ایران بود. در کاهش ارزش پول ایران دو عامل به طور هم‌زمان نقش داشت. ۱- کاهش بهای نقره به‌عنوان پایه پول ایران در بازارهای بین‌المللی. و ۲- کاهش درآمدهای صادراتی ایران در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م کاهش بهای نقره که از زمان قاجار آغاز شده بود در این دوره تسریع شد و در آذر سال ۱۳۰۸ ش به اوج خود رسید (نصیری، بی‌تا: ۱۵۷). این مسأله موجب شد تا ارزش پول ایران در مقابل سایر ارزهای خارجی از جمله لیره بریتانیا تا ۵۰٪ و فرانک فرانسه تا ۱۰۰٪ سقوط کند (زرگر، ۱۳۷۲: ۳۳۵). این کاهش ارزش اگرچه می‌توانست موجب افزایش میزان صادرات ایران شود. لیکن رکود بازار جهانی صدور کالا، امکان جبران کاهش ارزش پول نقره از طریق اضافه صادرات را نمی‌داد. به همین دلیل اوضاع مالی ایران وخیم‌تر و روند کاهش ارزش پول ایران شدیدتر می‌شد. در پی چنین شرایطی بود که قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ ش به تصویب مجلس رسید که بر اساس آن واحد پول ایران از نقره که ارزش آن در حال سقوط بود به طلا تغییر یافت. همچنین اندازه، میزان، وزن و شکل سکه‌ها نیز مشخص گردید (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱: ۴۱۸-۴۱۷).

در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ ش علاوه بر قانون تعیین واحد مقیاس پول قانونی ایران، قانون تأسیس وزارت اقتصاد ملی نیز در مجلس به تصویب رسید. وظایف وزارت اقتصاد ملی براساس این قانون عبارت بود از: «فراهم آوردن موجبات تکثیر قوه مولد ثروت عمومی و به‌کار انداختن منابع ثروت، ترویج فلاح و مخصوصاً ترقی محصولات فلاحی با اصول علمی جدید و فراهم آوردن موجبات ترقی و توسعه تجارت مملکت از نقطه نظر توسعه صادرات مملکت و تشویق به عمل آوردن امتعه که ممکن است در مملکت برای رفع حوائج داخلی تهیه شود و اصلاح مواد صادراتی مملکت به‌طوری که مطلوب بازارهای خارجه

باشد.» (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره هفتم، جلسه صد و نهم، سه‌شنبه بیست و هفتم اسفند ۱۳۰۸).

با توجه به شرح وظایفی که مجلس برای وزارت اقتصاد ملی مشخص کرده بود؛ در این وارخانه نوعی درهم‌آمیختگی وظایف میان بخش‌های تجاری، کشاورزی و صنعتی اقتصاد ایران وجود داشت. به همین دلیل لازم بود تا با ایجاد تشکیلات جدید سازمانی در وزارت اقتصاد ملی گامی در جهت رفع این درهم‌آمیختگی وظایف برداشته شود. به همین منظور مجلس در ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ش قانونی راجع به تقسیمات وزارت اقتصاد ملی تصویب کرد که براساس آن وزارت اقتصاد ملی به سه اداره کل تجارت، فلاحت و صناعت تقسیم شد. مقرر گردید تا ادارات مزبور تحت نظارت عالیه ریاست وزراء و هریک از آنها به وسیله رئیس مستقلی که به سمت معاونت وزارت در مجلس و هیأت وزراء حق حضور و شرکت در مذاکرات داشتند اداره شوند (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره هشتم، جلسه سی و دو، یکشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۱۰).

علی‌رغم همه اقدام‌های حکومت برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران تلاش‌های صورت گرفته برای سازماندهی اقتصاد تجاری بواسطه پیامدهای بحران اقتصادی در ایران ناکارآمد ماند. به دلیل ناکارآمد ماند این اقدامات بود که حکومت پهلوی به منظور کسب درآمد بیشتر از بخش تجاری اقتصاد ایران جهت تأمین هزینه‌های مورد نیاز ایجاد تمرکز سیاسی از اواخر سال ۱۳۰۹ش از سیاست سازماندهی اقتصاد تجاری دست کشید و سیاست انحصار در اقتصاد تجاری را در پیش گرفت.

تقریباً از اوایل زمستان سال ۱۳۰۹ش روشن شده بود که خواسته اساسی حکومت از مجلس شورای ملی تصویب قانون انحصار دولت بر تجارت خارجی به عنوان یکی از منابع مهم اقتصادی تأثیرگذار بر درآمدهای ارزی کشور است (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: نه). با توجه به این شرایط بود که دولت لایحه تصویب قانون انحصار تجارت خارجی را در ۲۴ بهمن ۱۳۰۹ش به مجلس تقدیم کرد. سمیعی کفیل وزارت اقتصاد ملی هنگام تقدیم لایحه به مجلس ضمن تقاضای دو فوریت برای تصویب آن گفت: «از جمله مسائلی که لازمه انتظام



امور اقتصادی مملکت است و در ضمن پروگرام دولت اساس آن را مورد تصویب فرموده‌اند. تعدیل صادرات و واردات می‌باشد. این مسأله علاوه بر مزایایی که فی‌حد ذاته دربر دارد وسیله مؤثری برای حمایت و ترویج مصنوعات داخلی نیز خواهد بود و انجام چنین امری هم وقتی ممکن است که تجارت خارجی در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر نمودن و تعیین میزان واردات و صادرات مخصوص دولت گردد. لذا ماده واحده ذیل را پیشنهاد کرده و برای اینکه در اجرای مدلول آن مشکلاتی تولید نشود تقاضای تصویب آن را با قید دو فوریت می‌نماید.» (روزنامه اطلاعات، سال پنجم، شماره ۱۲۶۷، ۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹، ص ۱)

کلیات لایحه ارائه شده دولت در ۶ اسفند ۱۳۰۹ ش توسط مجلس به تصویب رسید و مقرر گردید تا: «از تاریخ تصویب این قانون تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی و یا دائمی میزان صادرات و واردات به دولت واگذار می‌شود و دولت می‌تواند تا تصویب متمم این قانون از ورود مال -التجاره خارجی به ایران جلوگیری کند.» (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱: ۴۷۶).

بدین ترتیب حکومت پهلوی طی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش در دو مرحله اقتصاد تجاری ایران را با هدف کسب درآمد بیشتر از این بخش اقتصاد کشور سازماندهی کرد. هرچند که اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران بواسطه تشدید پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م و کاهش درآمدهای صادراتی حکومت ناکارآمد ماند و سرانجام حکومت ناچار شد از اسفند ۱۳۰۹ سیاست سازماندهی اقتصاد تجاری را به نفع کنترل اقتصاد تجاری از طریق انحصار تجارت خارجی به کنار بگذارد.

### نتیجه

حکومت پهلوی اول بواسطه تلاش برای ایجاد تمرکز سیاسی نیازمند کسب درآمد از منابع مختلف بود. در این میان بخش تجاری اقتصاد ایران یکی از منابعی بود که می‌توانست منابع مالی مورد نیاز ایجاد تمرکز سیاسی را فراهم کند. تحقق این مهم اما با توجه به

میراثی که اقتصاد تجاری ایران از دوران قاجار از آن برخوردار گردیده بود امکان‌پذیر نبود. اقتصاد تجاری و تجار ایرانی در دوران حکومت قاجار بواسطه باز شدن درهای اقتصاد کشور پس از امضاء عهدنامه ترکمانچای به حاشیه رانده شدند. نتیجه به حاشیه رانده شدن اقتصاد تجاری ایران کم بازدهی و کوچک شدن سهم اقتصاد تجاری از مناسبات و مبادلات با طرف‌های تجاری بود. کسری موازنه تجاری که در دوران قاجار به صورت جدی گریبان‌گیر اقتصاد تجاری ایران گردید نشانه مهم کم بازدهی و کوچک شدن سهم اقتصاد تجاری ایران از مناسبات و مبادلات تجاری بود.

حاکم بودن چنین شرایطی موجب می‌شد بخش تجاری اقتصاد ایران از امکان محقق کردن کارویژه‌های که حکومت پهلوی برای آن در نظر گرفته بود برخوردار نگردد. این کارویژه کسب درآمد بیشتر از بخش اقتصاد تجاری ایران بود. تحقق این کارویژه ضرورت سازماندهی اقتصاد تجاری ایران را برای حکومت پهلوی اول الزامی می‌کرد. بر این اساس حکومت پهلوی می‌بایست با سازماندهی اقتصاد تجار ایران، این بخش از اقتصاد کشور را از میراث بازمانده از دوران قاجاری آن می‌رهاند تا در سایه آن اقتصاد تجاری ایران از حاشیه خارج شده کارویژه‌های که برای آن در نظر گرفته شده بود را محقق کند.

در راستای تحقق این مهم حکومت پهلوی در دور مرحله طی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ اقدام‌هایی را در جهت سازماندهی اقتصاد تجاری ایران انجام داد. انجام این اقدام‌ها به دلیلی بی‌توجهی حکومت قاجار در جهت سازماندهی تجار و اقتصاد تجاری ایران ضرورت بیشتر پیدا می‌کرد. در چنین شرایطی حکومت پهلوی اول تلاش خود را برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران آغاز کرد.

نخستین مرحله تلاش‌های حکومت پهلوی طی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۷ ش صورت گرفت. در این سال‌ها حکومت پهلوی به منظور سازماندهی اقتصاد تجاری ایران قانون علامات صنعتی و تجارتي را در خرداد ۱۳۰۳ ش، قانون تجارت را در ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ ش، نظام‌نامه تأسیس اتاق‌های تجارت را در دی ۱۳۰۴ ش و قانون تعرفه‌های گمرکی و اجازه قراردادهای گمرکی مخصوص با دول خارجی را در اردیبهشت ۱۳۰۷ ش را به تصویب و اجرا رساند.

دومین مرحله تلاش‌های حکومت پهلوی برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ش صورت گرفت. این مرحله از اقدامات حکومت پهلوی برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران تحت تأثیر پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م بر اقتصاد ایران علی‌الخصوص بر بخش اقتصاد تجاری ایران بود. بحران اقتصادی که موجب کاهش درآمدهای صادراتی ایران شده بود حکومت پهلوی را ناچار کرد تا دست به اقدام‌های جدیدی برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران بزند. مهمترین اقدام‌های صورت گرفته در این مرحله عبارت بودند از تصویب قانون اجازه تفتیش و نظارت بر خرید و فروش اسعار خارجی در ۶ اسفند ۱۳۰۸ ش، تصویب قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ ش و تصویب قانون تأسیس وزارت اقتصاد ملی در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ ش.

اقدام‌های صورت گرفته برای سازماندهی اقتصاد تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ ش نتوانست کارویژه‌ای را که حکومت پهلوی برای اقتصاد تجاری ایران در نظر گرفته بود محقق کند. در تحقق نیافتن این مهم کاهش درآمدهای صادراتی ایران در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م نقش مهمی داشت. در چنین شرایطی حکومت پهلوی سیاست سازماندهی اقتصاد تجاری ایران را از اسفند ۱۳۰۹ ش به کنار گذاشت و به منظور کسب درآمد بیشتر از بخش تجاری اقتصاد ایران سیاست انحصار اقتصاد تجاری ایران را با تصویب قانون انحصار دولتی تجارت خارجی در پیش گرفت.

## منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده در دوران قاجار*، تهران، انتشارات شیرازه.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران عصر قاجار*، تهران، انتشارات زمینه.
- افشار، محمود (تیر ۱۳۰۴)، سپاه و سیاست، *مجله آینده*، شماره ۲، سال اول.
- اوین، ژان (۱۳۶۲)، *سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، کتابفروشی زوار.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، انتشارات زوار.
- باربر، جولیان (۱۳۶۰)، *اقتصاد ایران، تهران*، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی سازمان برنامه.
- تاپیتون، فرانک و رابرت آلدريج (۱۳۷۵)، *تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا*، ترجمه کریم پیرحیاتی، ج ۱، تهران، علمی و فرهنگی.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۲)، *از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران*، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴)، *تجارت مشروطیت و دولت مدرن*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- خورموجی، محمد جعفر (۱۳۶۳)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۲، تهران، نشر نی.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره‌وشی، تهران، کتابفروشی ابن‌سینا و مؤسسه امیرکبیر.
- داور، علی‌اکبر (۱۳۰۵)، بحران ما، *مجله آینده*، جلد ۲، شماره ۱۳، سال دوم.
- *روزنامه اطلاعات*، سال پنجم، شماره ۱۲۶۷، ۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹

- روزنامه پرورش، سال اول، شماره ۶، دوشنبه نوزدهم ربیع‌الاول ۱۳۱۸.
- روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۹، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵.
- روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۱۴، ۲۴ رمضان سال ۱۳۴۵.
- روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۵، ش ۲۲-۲۱، ۲۲ ذیقعدہ ۱۳۴۵.
- روزنامه چهره‌نما، سال اول، شماره ۱۲، ۱۵ شعبان ۱۳۲۲.
- روزنامه چهره‌نما، سال دوم، شماره ۱، نمره ۲۵، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۳.
- روزنامه چهره‌نما، سال دوم، شماره ۲۲، غره ربیع‌الثانی ۱۳۲۳.
- روزنامه چهره‌نما، سال دوم، شماره ۲۴، غره جمادی‌الاول ۱۳۲۳.
- روزنامه حکمت، سال نوزدهم شماره ۹، پنج شنبه ۱۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۹.
- روزنامه شفق‌سرخ، سال هفتم، شماره ۱۰۱۷، یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۰۷.
- روزنامه فکرآزاد، سال سوم، شماره ۳، پنجشنبه ۲۸ عقرب ۱۳۰۳.
- روزنامه کوئشش، سال اول، شماره ۹۸، دوشنبه ۲۹ میزان تنگوزئیل ۱۳۰۲.
- روزنامه مردآزاد، سال اول، شماره ۱۷، پنج‌شنبه ۳ حوت ۱۳۰۱.
- روزنامه ندای وطن، شماره ۳۲، شنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵.
- رونون، پیر (۲۵۳۷)، بحران‌های قرن بیستم، ج ۲، ترجمه احمد میرفندرسکی، تهران، دانشگاه ملی.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۷۲)، روابط ایران و انگلستان در زمان رضاشاه، ج ۱، ترجمه کاوه بیات، تهران، انتشارات پروین-معین.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۳۱۰۴۳، محل درآرشیو ۱ آداف ۱۴۳.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۳۵۴۹۴، شناسه بازیابی ۱۲/۱/۸۳۱۴۰.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌سند ۲۹۳۵۴۹۸، شناسه بازیابی، ۱۲/۱/۴۰۸۷.

- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۹۰۲-۲۴۰، محل در آرشیو ۱۳/۱/۱۴۷۶۲.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۶۹۸۶-۲۴۰، شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۶۸۴۵.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۶۹۸۷-۲۴۰، شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۶۸۴۶.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۷۰۱۸-۲۴۰، شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۶۸۷۷.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۶۳۲۸-۲۴۰، شناسه بازایی ۱۳/۱/۲۶۱۸۴.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۴۹۲۶۹-۲۴۰، شناسه بازایی ۱۳/۱/۴۹۲۶۹.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۷۵۰۲۰-۲۴۰، شناسه بازایی، ۱۳/۱ ۷۵۰۲۰.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۳۶۱۴-۲۴۰، محل در آرشیو ۷۰۷ ج ۱ آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۵۳۹۳-۲۴۰، بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۰۷۶-۲۹۰۰، بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۶۹-۲۹۱۰۰، بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۰۳-۲۹۱۰۰، بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۷۲۲۵۷۵، محل در آرشیو ۱ آپ ۴ ط ۳۲۸.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۸۰۳۵-۲۹۰۰، بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۶۶۵۵-۲۹۳۰، بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۵۵۶۳-۲۹۷۱۴، محل در آرشیو ۱ آپ ۳ ر ۷۱۱.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۹۷۲۹۳۱۷۳۳۶، محل در آرشیو ۱۱۵۲-۱-۲۹۳.
- سیف، احمد (۱۳۸۷)، *اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*، تهران، نشر نی.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۴)، *روابط ایرن و شوروی در دوره رضاشاه*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- فلانندن، اوژان (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژان فلانندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، چ ۳، تهران،

انتشارات اشراق.

- فوروکاوا، نوبیوشی (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجبزاده و کینیچی ئه‌اورا، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۷۴)، *اسنادی از روند اجرائی معاهدی ترکمانچای ۱۲۵۰-۱۲۴۵ ق*، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۱)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چ ۸، تهران، نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۰)، *دولت و جامعه در ایران*، ترجمه حسن افشاری، چ ۲، تهران، نشر مرکز.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، *لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی*، دوره پنجم، جلسه پنجاهم، یکشنبه اول سنبله ۱۳۰۳.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، *لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی*، دوره پنجم، جلسه صد و چهل و هفتم، یکشنبه نهم حمل ۱۳۰۴.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، *لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی*، دوره هشتم، جلسه سی و دوم، یکشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۱۰.
- کرزن، جرج. ن (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غ. وحید مازندرانی، چ ۲، چ ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلاف، شپرد، توماس مودی و کارل مودی (۱۳۶۸)، *تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، نشر گستره.
- کدی، نیکی (۱۳۷۵)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، *اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی (۱۳۰۵-۱۳۱۱)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به کوشش جمشید کیانفر، ج ۲، تهران، انتشارات اساطیر.
- لمبتون، آ.ک. س (۱۳۷۵)، *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، جاودان خرد.
- *مجله اطاق تجارت*، سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱.
- *مجله اطاق تجارت*، سال سوم، شماره ۳۴ و ۳۵، ۱۵ اسفند ۱۳۱۰ و اول فروردین ۱۳۱۱.
- *مجله اطاق تجارت*، سال اول، شماره اول، ۵ آبان ۱۳۰۸، ص ۲۵.
- *مجله راهنمای تجارتهای ایران عصر حدید*، شماره سوم، فروردین ۱۳۰۷.
- *مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۰۰ هجری شمسی* (۱۳۸۸)، ج ۱، تهران، قوه قضائیه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من*، ج ۱، تهران، انتشارات زوار.
- میلسپو، آرتور (۲۵۳۶)، *مأموریت امریکائی‌ها در ایران*، ترجمه حسین ابوترابی، تهران، انتشارات پیام.
- نصیری، محمد (بی‌تا)، *تایخچه سی سال بانک ملی ایران ۱۳۰۷-۱۳۳۷*، بی‌نا.